

پس با این تصریحات و توجهی که قانون اساسی باغضاء محاکم دارد پس عدلیه فوق العاده اهمیت دارد در صورتی که نسبت به وزارتخانه های دیگر در قانون اساسی چنین تصریحی را ندارد و مخصوصاً در اصل ۸۱ قانون اساسی میگوید مدعی العموم باید بتصویب مجتهد و فرمان شاه باشد

پس از این مطالب استنباط میشود که عدلیه فوق العاده محل احترام است و ما نمیتوانیم عدلیه را مثل مجالس که خدایان قرار دهم و بقدری این وزارت خانه مهم است که نمیتوان در مقابل سایر وزارت خانه ها قرارداد.

نظر باین مسئله و نظر باینکه در آن جا باید به حقوق مردم رسیدگی شود و تصفیه پیدا کند

باید شروطی معین شود که تمام مردم متوجه شوند این است که بنده پیشنهاد کردم که باید مشهور بصحت عمل باشد و اینکه میفرمایند این حرف لاستیک است اینطور نیست.

الآن اگر بروید در عدلیه می بینید اشخاصی که صحت عمل دارند و اشخاصی که غیر معروف هستند معین میباشند و این یک چیزی نیست که لاستیکی باشد

و چون عدلیه مقام فوق العاده را حائز است و باید طرف اطمینان اشخاصی که به آن مراجعه میکنند باشد لهذا باید اعضاء آن متصف باشند بصحت عمل و حسن سابقه و دیانت و اینها یک چیزهایی است که بنده پیشنهاد کردم برای عدلیه نه اینکه عدلیه را تشبیه کنیم بیک محاضر کدخدا خوب است آقایان

اعضاء کمیسیون حالا که میخواهند قانون وضع کنند یک توجهی هم بقانون اساسی بفرمایند در قانون اساسی مصرح است که مدعی العموم را باید مجتهد معین کنند این است که عرض میکنم خوب است یک قانونی وضع کنند و یک شرایط و اوصافی را ذکر کنند که مخالفت با قانون اساسی نداشته باشد.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد پیشنهاد حاج شیخ محمد حسن قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم شرط بشود که قاضی محکمه از اهل خیره بموازین قضائیه عرفیه بوده باشد

بملاوه آنکه محل وثوق بوده باشد از برای انجام شغلش رئیس - آقای گروسی (اجازه)

**حاج شیخ محمد حسین گروسی** عرض میکنم متصدی هر امری از امور و شغلی از مشاغل برای صلاحیت آن شغل دو چیز را لازم دارد یکی معرفت تجربیات و جریان آن کار که حتماً باید عارف و خبره باشد و یکی محل اطمینان و وثوق اشخاص که کار باور جوع میکنند باشد و این برسبیل کلی است اختصاص به موردی و دون موردی ندارد بنده همچو فهمیدم که در اینجا صحبت میکردند از اینکه دانستن شرعیات هم شرط شود.

تصور میکنم باندازه خلط مبحث شده است و او این است که مطابق قانون اساسی قوه قضائیه یکی محکمه عدلیه است که به عرفیات باید رسیدگی کند و یکی شرعیه است که باید بامور شرعی رسیدگی کند. بعد از اینکه ما این دو موضوع را داریم حق مجلس این بود که تشخیص بدهد شغل این محکمه را که برای عرفیات معین کرده است که عرفیات چه موضوعاتی است و محاکمه آن امور را به عهده آنها را گذار کند که آنها بموقع اجرا بگذارند و کسی حق ندارد محکمه عرف را جانشین محکمه شرع قرار دهد و اگر قرار بدهند آنها قاصب در حق محاضر شرع هستند

پس آنچه را که تشخیص دادند راجع به عرفیات است مطابق قانون اساسی حق آنها است که رسیدگی کنند والا تخلف از قانون اساسی را بنده غلط میدانم و لازم میدانم آقایان زحمت بکشند و این موضوع را تفکیک کنند و این اشکالات نه تنها از و کلا بلکه از ملت هم مرتفع شود

و در اینجا هم چون این قانون راجع به عدلیه است اسمی از محاضر شرع نبرند و فقط شرط شود خبرویت در موضوعات عرفیه داشته باشد و دیگر اینکه محل وثوق باشد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای گروسی را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد یک پیشنهاد دیگری مانده است قرائت می شود و بعد به خود ماده رای گرفته میشود.

(پیشنهاد آقای تدین بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که شرایط ورود خدمت در عدلیه مطابق قانون موقتی تشکیلات عدلیه بوده باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه) آقا سید محمد قدین - اولاً بنده خیلی متأسف هستم که کمیسیون محترم

استخدام رعایت یک نکته را نکردند و چندین جلسه وقت ما را صرف کردند و بالاخره نمیدانیم نتیجه میگیریم یا نه؟ بنده عقیده ندارم داخل شویم در ذکر شرایط استخدام در عدلیه و اتکاء کردم به همان شرایط که در قانون تشکیلات ذکر شده است و همانطور که راجع به بعضی شرایط عمومی که در یکی از مواد این لایحه اشاره کرده اند که مفاد مواد اول و ششم و هفتم قانون استخدام کشوری شامل قضات خواهد شد

اگر از این قبیل شرایط لازم بود در این قانون ذکر شود ذکر کنند و بقیه شرایط را عطف کنند بقانون تشکیلات عدلیه و این ترتیب بی قال و مقال و عملی تر بود زیرا بهترین شرایط همان شرایطی است که در قانون تشکیلات عدلیه ذکر شده است نهایت اگر بعضی ترتیبات پیش آمده است از نقطه نظر سوء انتخاب بوده است که یک اشخاص غیر صالح انتخاب شده اند و بعد هم از تعدیبات آنها جلوگیری نشده

باینجهت بنده برای اینکه باین مذاکرات خاتمه داده شود و بهمان شرایط نیز اکتفا شود پیشنهاد کردم که اگر آقایان قبول فرمایند شرایط ورود بخدمت عدلیه همان شرایط باشد و اگر یک گیری دارد مشمول قانون استخدام بکنند و یک نکته راهم آقای مدرس فرمودند که قید شود مدرسه حقوقی که پرگرام آن از مجلس گذشته باشد این را هم سابقاً در ماده ۱۴۷ که تفسیر کرده اند در آنجا مجلس تصویب کرد و دیگر لزومی ندارد.

**مخبر** - به عقیده بنده مطلب تمام شده بود و حالا آقای تدین از سر گرفتند تمام مطالبی که اظهار کردند در این ماده ذکر شده بود و به عقیده بنده همان قسمی که نظر دارند کمیسیون هم تصویب کرده.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد دستور فردا اولاً راپورت کمیسیون بودجه شماره ۱۲۲ راجع بچهار نفر شاهراد کان

ثانیاً لایحه کاردشهری معاون وزارت عدلیه - تقاضا میکنم راپورت کمیسیون بودجه راجع بعدلیه ولایات هم جزو دستور شود

رئیس - اگر وقت باشد مسئله راجع بعدلیه ولایات هم در مرتبه سوم خواهد بود.

(مجلس یکساعت و ده دقیقه بمد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملک

**جلسه ۲۴۶**

**صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و هفتم برج حوت ۱۳۰۱ برابر سلخ رجب ۱۳۴۱**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر برباست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم شنبه بیست و هشتم حوت را آقای امیر ناصر قرائت نمودند رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

**حاج امین التجار** - بنده در دستور عرضی دارم رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

**محمد ولی میرزا** - بنده راجع بصورت مجلس عرضی ندارم رئیس - پس صورت جلسه ایرادی ندارد؟

(اظهاری نشد) رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

**حاج امین التجار** - چون دیروز پیشنهاد آقای زنجانی راجع بلایحه گل سرخ در مجلس قابل توجه شد در کمیسیون فواید عامه بایک اصلاحات دیگری که لازم داشت تمام شد و گمان میکنم راپورت آن هم بمقام ریاست تقدیم شده باشد و چون موقع این امتیاز از اول حمل آتیه است اگر این لایحه بزودی تصویب نشود یک ضرری بخزانه دولت وارد خواهد آمد بنا براین اگر تا قبل از حمل تکلیف این لایحه معین شود بهتر است تا یک ضرری هم متوجه دولت نشود (صحیح است) باین جهت تقاضا میکنم این لایحه در اول جلسه امروز جزء دستور شود.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

**محمد ولی میرزا** - عرض بنده راجع بدستور نبود راجع بسؤالانی است که از وزراء شده است خود بنده مدتی است چند فقره سؤال راجع به بعضی قضایای آذربایجان از آقایان وزراء کرده ام و مگر بمقام ریاست عرض کردم که با آقایان وزراء اختطار بشود تا برای جواب حاضر شوند ولی متأسفانه حاضر نشده اند و حالا که هیئت دولت کامل شده اند تذکر میدهم که مجدداً از طرف مقام محترم ریاست تا کیدی بشود که برای جواب حاضر بشوند که یک رشته اصلاحات از همین سؤالات و جوابهایی است که از طرف وزراء در مجلس داده میشود و بملاوه تقاضا میکنم همانطور که در سابق هم معمول بود یک روز برای سؤالات تخصیص داده بشود یا روزی پنجشنبه یا روز دیگر که مجلس معین نماید

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند لایحه گل سرخ  
حائزین اده - هنوز طبع و توزیع نشده است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم تأیید میکنم عقیده آقای حاج امین التجار را که امروز لایحه گل سرخ مطرح شود چون این لایحه دولت نافع است و البته زودتر تکلیف این لایحه تا قبل از حمل معین شود که بمبادیات دولت نکند وارد نیاید و در تعقیب فرمایشات آقای محمد ولی میرزا هم عرض میکنم بنده از آقای مستوفی الممالک و آقای وزیر عدلیه بعضی شواهدی کردم که الان یک ماه بلکه بیشتر است و هنوز برای جواب حاضر نشده اند و هیچکس پیدا نشده است که جواب سؤالات بنده را بدهد تا یکماه انتظار میکشیدیم که هیئت دولت معرفی شود وقتی هم که معرفی شدند يك سوألی که کرده ایم يك ماه یا دو ماه طول میکشد تا جواب آنرا بدهند وقتی هم که می آیند بمجلس تا يك لایحه بمجلس تقدیم کنند و يك بار جدیدی بدوش این ملت بیچاره بگذارند اگر ما هم يك سوألی بکنیم جواب هم نمیدهند و تشریف میبرند

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند که لایحه گل سرخ جزو دستور امروز باشد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپرت کمیسیون فواید عامه بشرح ذیل قرائت شد  
کمیسیون فواید عامه پیشنهاد آقای زنجانی را راجع بلایحه امتیاز خاک سرخ (اکسیددوفر) که در جلسه ۲۶ برج حوت در مجلس شورای ملی قابل توجه شده بود مطرح و بالنتیجه مواد لایحه مزبور را با مراجعه بصاحب امتیاز بترتیب ذیل اصلاح نموده و تقدیم مجلس شورای ملی مینماید ماده اول - امتیاز انحصار و استخراج و فروش خاک سرخ (اکسیددوفر) واقعه در جزائر هرمز - قشم - لارک هنگام به آقای حاج معین التجار بوشهری از طرف دولت واگذار میشود و آقای حاج معین التجار از کلیه دعوی سابقه خود نسبت بدولت راجع بخاک سرخ جزائر مزبوره و اثابیه و غیره صرف نظر می نماید (تصویب شد)

رئیس - مدت این امتیاز اول حمل تنگورژیل ۱۳۲ الی مدت پانزده سال شمسی خواهد بود (تصویب شد)

ماده سوم - صاحب امتیاز ملزم است حقوق دولت را از قرار صدی پنجاه از عایدات خالص خاک سرخ جزائر مزبوره بعد از وضع مخارج و در سه ماهه اول هر سال از بیات سال قبیل به خزانه دولت بپردازد

تبصره مخارج مزبوره در ماده سوم عبارت است از مخارج اداری و استخراج و حمل و نقل و فروش (تصویب شد)

ماده چهارم - صاحب امتیاز قبول میکند که همه ساله در موقع تأدیبه حقوق دولت سالی هزار تومان بوزارت معارف برای مدارس ابتدائی بنادر و جزایر جنوب بپردازد

ماده پنجم - این امتیازی بهیچ نحو از اجزاء به اتباع خارجه و اگذار و منتقل نمیشود

ماده ششم - معادن بواسطه وقوع حوادث فوق العاده عمومی یا محلی (فرس مائر) تعطیل شود معادل مدتی که معادن معلول مذکور معطل مانده بمورد استفاده واقع نشده است بر مدت این امتیاز افزوده خواهد شد

ماده هفتم - تهیه و خریداری کلیه وسایل استخراج و نقلیه و غیره در عهده صاحب امتیاز است و در انقضای مدت چنانچه دولت بخواهد بایز قیمت عادلانه بدولت بفروشد

ماده هشتم - صاحب امتیاز باید دفاتر منظمی داشته باشد که هر وقت دولت بخواهد بتواند مراجعه نموده و از مقدار استخراج و حمل و فروش خاک سرخ اطلاعی حاصل کند

ماده نهم - کلیه آلات و ادواتی که صاحب امتیاز فقط برای استخراج و حمل مواد مستخرجه وارد نماید از حقوق گمرکی معاف خواهد بود و نیز حقوق گمرکی به مقدار خاکی که استخراج و حمل میشود تعلق نخواهد گرفت

ماده دهم - تخلف از هر يك از مواد از طرف صاحب امتیاز موجب الغاء این امتیاز خواهد بود

ماده یازدهم - در موقع اختلافات حاصله بین دولت و صاحب امتیاز بحکمیت قطع خواهد شد

ماده واحد - مجلس شورای ملی بصیوب مینماید که امتیاز انحصاری استخراج و فروش خاک سرخ (اکسیددوفر) وانهم در جزائر هرمز - قشم - لارک - هنگام - وزرات قوائد عامه با آقای حاج معین التجار بوشهری بر طبق یازده ماده و يك تبصره و اگذار مینماید (محمد هاشم میرزا)

رئیس - در ماده اول مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم - آقایانی که ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس تصویب شد ماده دوم بشرح آتی قرائت شد

ماده دوم - مدت این امتیاز اول حمل تنگورژیل ۱۳۲ الی مدت پانزده سال شمسی خواهد بود

رئیس تصویب شد ماده دوم بشرح آتی قرائت شد

ماده دوم - مدت این امتیاز اول حمل تنگورژیل ۱۳۲ الی مدت پانزده سال شمسی خواهد بود

رئیس تصویب شد ماده دوم بشرح آتی قرائت شد

ماده دوم - مدت این امتیاز اول حمل تنگورژیل ۱۳۲ الی مدت پانزده سال شمسی خواهد بود

هم بیشتر بدولت عاید میشود و دولت در تحت نظارت خودش با داشتن یک نفر مباشر آنجا را اداره خواهد کرد

البته موافقت میگردم ولی آنچه با اطلاع رسیده است و خودمان در لوابیع دولت دیده ایم از ده یا چهار هزار تومان دولت بیشتر استفاده نکرده است و بنده تصور میکنم حاج معین التجار این پیشنهاد را بایک شوق و شغفی قبول خواهد کرد چون برای او خیلی خوب است ولی چون از طرف دولت يك عملیات در این بود دیده نشده است ( و شاید هم شده و ما نمی دانیم)

لهذا تصور میکنم بمشکلاتی که امروزه دولت دارد اگر این معادن را بهمان طریقی که اول قرار شده بود که در سال صد هزار تومان بدولت بپردازد بهتر و بجا بود دولت نافع تر خواهد بود والا با صدی ۵۰ بنده مخالف هستم و میدانم دستورات اخیر در اغلب این قبیل امتیازات که مشترک است بین دولت و يك نفر دیگر همیشه اسباب زحمت تولید شده و بالاخره دولت عوض اینکه يك منافی بپردرد آخر کار باید يك چیزی هم دستی بدهد و اگر اختلافاتی هم در بین باشد تشکیل کمیسیون ها میدهند و بحکمیت رجوع میکنند خلاصه چیزی عاید دولت نمی شود

بنده در کمیسیون فواید عامه بودم و با این مسئله مخالف بودم ولی در اقلیت ماندم

اما البته رأی مجلس قاطع خواهد بود ولی ناچارم که يك مختصری توضیح هم راجع بمخالف خودم بدهم موقعی که حاج معین التجار در آن معادن عمل کرده است يك مبلغ جزئی بدولت میداده است بعد در ادوار تقنینیه سابق چنین صلاح دانستند که این امتیاز از حاج معین التجار پس گرفته شود و خود دولت در آنجا عمل کند بادیگری را معین نمایند که مشغول استخراج شود و البته تفصیل این قضیه را همه آقایان میدانند لازم نیست که بنده عرض کنم حالا مقرر شده که در مرتبه این امتیاز بجا معین التجار داده شود و دولت صدی پنجاه از عایدات خالص دریافت نماید و حاج معین التجار با سرمایه خودش مشغول استخراج شود و هر چه عایدی شد صدی ۵۰ آن را بدولت و اگذار نماید حالا بنده کاری به آن ندارم که چه طور بحساب ایشان کند یا کمتر از صدی سی برای مخارج استخراج صرف نخواهد شد ولی در عمل گمرک صدچهل بلکه صدی ۵۰ برای استخراج خرج کرده اند و علاوه کمیانی فقط جنوب هم از عملیات آنجا دو هزار نفر برخلاف قرارداد فقط جنوب برده است و حالا خیلی عمله کمتر شده است و از طرف دولت اخيراً که آن ها پروتست شد که از این کار جلوگیری

نشدو اگر چنانچه دولت با گمرک بخواهد دخالت کند بیش از صدی ۵۰ خرج خواهد شد و ما گمان میکنیم بواسطه سابقه اطلاعی که ایشان دارند میتوانند سالی ۹ هزار تن از آنجا استخراج نموده و بخارجه بفرشند و این نقطه نظر تصور کردیم دخالت ایشان در این عمل برای دولت نافع تر است تا آنکه خود دولت عمل کنند این بود که بنده بایکي از آقای محترم رفیق بمو بالیشان مذاکره کردم و تا ۲ ساعت ۲ ساعت و نیم هم مذاکره اتان طول کشید بالاخره ایشان قانع شدند و این پیشنهاد را پذیرفتند و غیر از این طریق دیگری را قبول نکردند و در خانه هم استغاثه کردند که مجلس شورای ملی از نقطه نظر حفظ مالیه دولت هر چه زودتر این لایحه را بقبول کند یار کندو اگر ردهم میشود دولت اختیار داشته باشد که خودش مشغول عمل شود چون در این ۲ سال اخیر عمل نشده است و تا یک ماه دیگر هم بیشتر بموقع استخراج آن باقی مانده است و بعد از آن بواسطه گرمای میشود کار کردو اگر تصویب این لایحه طول بکشد اسامی هم فایده نخواهند برد دیگر بسته برای مجلس است

رئیس - آقای سیدبهداد الملک (اجازه)

سیدبهداد الملک (بنده گمان میکنم باین طرز عمل در آخر سال یکدینار هم برای دولت باقی نماند البته معامله خوبی است و همه کس این معامله را میکنند خرج ادوات بدهد و هر چه از منافع باقی ماند صد ۵۰ مال دولت و صد ۵۰ هم مال حاجی معین التجار ( جمعی از نمایندگان خیر اینطور نیست )

سیدبهداد الملک ( خیلی غریب است من کاری با آن ندارم که صد ۵۰ زیاد است یانه و عقیده بنده است که اگر کسی پیدا شود که صد ۸۰ بدولت بدهد و صد ۲۰ خودش ببرد بهتر است با اینحال چون عملی نمیدانم و میدانم که در آخر سال برای دولت يك اشکالاتی پیدا خواهد شد مخالفت میکنم چون يك دفاتر صحیحی نیست که عایدات و مخارج را مرتباً در آنجا بنویسند در آخر سال يك حساب تراشیهائی میکنند که بالاخره يك شاهیه عاید دولت نمیشود و بنده عقیده ام این است همان طوری که اول معین شده بود از آقایان این بود که اگر این معادن بدست آقای حاج معین التجار استخراج بشود بواسطه سابقه و اطلاعی که ایشان داشته اند کمتر از صدی سی برای مخارج استخراج صرف نخواهد شد ولی در عمل گمرک صدچهل بلکه صدی ۵۰ برای استخراج خرج کرده اند و علاوه کمیانی فقط جنوب هم از عملیات آنجا دو هزار نفر برخلاف قرارداد فقط جنوب برده است و حالا خیلی عمله کمتر شده است و از طرف دولت اخيراً که آن ها پروتست شد که از این کار جلوگیری

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد (مخالفم)

رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله نسبت به آن قسمتی

که آقای سیدبهداد الملک فرمودند که حاج معین التجار ۹۰ هزار تومان با صد هزار تومان بدولت بدهد خود حاجی معین التجار هم برای این مطلب حاضر شده بود و در مجلس هم مطرح شده بود ولی مجلس اینطور صلاح دانست که حاج معین التجار صد و پنجاه از عایدات خالص بدهد بهتر است والا خود حاضر برای شراکت نبود و میخواست بطور مقاطعه سالی صد هزار تومان بدهد و در هر سال اینطور رأی داده شد که بطور شراکت باشد و با او هم بعضی از آقایان نمایندگان مذاکرات طولانی کردند و بالاخره او را قانع کردند که این ترتیب را بپذیرد البته در هر صورت حاج معین التجار اگر هر کدام را بپذیرد برای نفع خودش اینکار را میکند در ضمن يك مبلغی هم بدولت میدهد و يك خدمتی هم به مملکت کرده است حالا چه مقاطعه باشد چه شراکتی . ولی چون مجلس شق اخیر را صلاح دانست او را متقاعد کردند که این ترتیب را بپذیرد و الا عرض کردم در اول او حاضر برای مقاطعه بود و اما اینکه میفرمایند مخارج را دولت میدهد دیگر چه دلیلی دارد که صد پنجاه او بپردازد اینطور نیست و حالا برای شما توضیح میدهم قضیه نفت يك قضیه است از همه این قضایا مهمتر و انتفاعش هم زیاد است وقتی که يك کمیانی میخواهد از مایک امتیازی بگیرد - نه از مایک از هر مملکتی علاوه بر اینکه میگوید باید مخارج موضوع شود اصل سرمایه آنرا هم که در حدود چندین میلیون است میگوید باید از عایداتیکه میسر مرتباً استهلاك بکنم یعنی هم مخارج را موضوع میکنند و هم اصل سرمایه آنرا استهلاك میکند پس از این همه تفصیلات تازه سالی صد هزار از عایداتش را میدهد با وجود این شما اظهار خوشوقتی میکنید و با يك شوق و شغف فوق العاده میپذیرد که خیلی خوب پیشنهادی است و او را با ذوق استقبال میکنند اما نسبت بیک خاک سرخیکه يك همچو ادعائی هم در مقامش هست ( که من یا تصدیق بصحت آن دارم یا ندارم ) مخالفت میفرمایید ولی در اصل قضیه خاک سرخ بنده حاج معین التجار را حقیقتاً مظلوم میدانم و حقیقتاً نسبت با ایشان ظلم شده است حالا وقتی این شخص حاضر شده است از ادعای خودش که با صد هزار تومان است یا زودتر صرف نظر میکنند و بعد هم از عایدات خالص نصف بدولت میدهد آن وقت نباید باو گفت - تو طلبت را که نمیگیری هیچ در آخر سال هم هر چه عایدت میشود بدولت بده و برو ؟ من تصور میکنم آقایان البته این مطلب را تصدیق نخواهند فرمود - و اما اینکه آقای رفیق در آخر سال دولت يك چیزی بدهکار میشود بعقیده بنده فرض هم چو چیزی هم غلط است البته وقتی مجلس يك امتیازی را میدهد باید در ضمن قراردادش قید کند که دفاتر مرتبی داشته باشد که هر وقت و هر ساعتیکه مأمور دولت بخواهد بحساب او

رسیدگی کند . . .

شیخ الرئیس - این ماده هم در راپرت نوشته شده ملاحظه فرمایید

حاج شیخ اسدالله - تقیثش کنید و ببینید آیا برخلاف امتیاز خودش عمل کرده یانه و اگر برخلاف رفتار کرده باشد البته دولت توقیف میکند . پس نظارت دولت در داخله خاک سرخ خیلی سهل است زیرا در داخله ایران که این خاک مصرفی ندارد و کسی طالب آن نیست و مصرف معینش در خارجه است و در موقع خروج هم گمرک میتواند نظارت بکند و بعلاوه آن کمیانی هم که این خاک را میخرد معلوم است و کسی هم که آنرا حمل میکند معین است و البته آن کمیانی هم دفاتر مرتبی دارد و اگر در موقع فروش فرضاً در دفاترش هم تقیثی شده باشد دولت در هر موقع و هر ساعتی بتوسط نماینده خودش که در خارجه است با آن کمیانی که طرف معامله بوده مذاکره کرده صورت خرید آنرا می خواهد قیمتش هم که معلوم است و قابل تعقیب نیست - پس این اشکال هم وارد نخواهد بود - و بعلاوه حالا که آقایان ماده اول و دوم را تصویب کرده اند بهتر این است که این ماده را هم زودتر تصویب کنند و اگر چنانچه میخواهند رد کنند که زودتر رد کنندو تصکیف این قضیه را معلوم نمایند چون چندین ماه است که این قضیه در مجلس مطرح است و هر روز با اشکالات جدیدی بر میخورد وقتی که رفع يك اشکالی شد اشکال دیگری پیش می آید وقتی صد هزار تومان بطور مقاطعه معین میشود میگویند خیر این غلط است و باید دولت شریک باشد و وقتی صد پنجاه قرار میدهد خیر این خوب نیست و همان صد هزار تومان اولی بهتر است - اینکه خوب نیست هر چه مجلس باید بکند امروز قطع بکنند

رئیس - آقای حاجی میرزا اهل محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در شور اول این لایحه بنده نظر بمطالبی که در کتابچه مطبوعه که بین آقایان توزیع شده بود دیده بودم بنده عرایضی عرض کردم آقای معاون وزارت فواید عامه در جواب بنده گفتند که مقدار استخراج این خاک پنج هزار تن است و بنده در آن کتابچه از هشت تا دوازده هزار تن دیده بودم بنده بنا بر این عرض میکنم در صورتیکه ۵ هزار تن بود حاجی معین التجار حاضر شده بود صد هزار تومان بدولت بدهد و بر حسب اطلاعی که از خارج تحصیل کرده بودم کمیانی امریکائی حاضر شده بود که در حدود ده هزار تومان اجاره بکند یا امتیاز بگیرد ولی امروز بوجوب آفراری که خود حاجی معین التجار کرده است و آقای رئیس التجار هم فرمودند ممکن است تا ده هزار تن از

آنجا استخراج کند و در صورتی که ده هزار تن بفروشد و صد پنجاهش را دولت ببرد و صدی پنجاهش را حاجی معین التجار تازه معادل میشود با صد هزار تومان که حاجی معین التجار پیشنهاد کرده بود و اگر از ده هزار تن خاک کمتر باشد البته از مقدار مال الاجاره هم باید کسر بشود

فرض میکنیم همان ۵ هزار تن را بوجوب قیمتی که گفت و گو شده است صد هزار تومان باشد صدی ۵۰ آنرا حاجی معین - التجار بپردازد صدی ۵۰ دولت بیشتر از ۵۰ هزار تومان عاید دولت نمیشود در صورتی که خود حاج معین التجار حاضر شده بود صد هزار تومان بدهد حالا یا بیایم و بگوئیم صد هزار تومان را تصویب نمی کنیم و صد پنجاه قبول می کنیم ؟ و رد صورتیکه دفاترش هم منظم باشد و هیچ اختلافی هم نباشد و مخارج هم موضوع بشود بیش از ۵۰ هزار تومان عاید دولت نمی شود

حالا ما چرا این حرف را میزنیم؟ برای اینکه حاج معین التجار يك گذشته از خودش کرده است در صورتیکه بطور قسمت باشد و دفاتر آنها منظم باشد ۵۰ هزار تومان دریافت بکنیم ؟ برای اینکه يك بخشش از ادعای خودش حاج معین التجار ادعای حاج معین التجار مطابق آن صورتی که بنده دیدم صد پنجاه هزار تومان است نمیدانم آقایان اعضاء کمیسیون چه نظریه داشتند که در مقابل آن ادعا مقصود پنجاه تومان باو بخشیده و از منافع دولت کسر کرده اند اگر اینطور است بهتر این است که حاجی معین التجار همان صد هزار تومان را که در سالن قرار شده بود بپردازد و هر قدر از ادعای خودش ثابت کرد و معلوم شد که حقیقتاً طلبکار است از این صد هزار تومان در هر سال يك مقداری کسر بکنند و الا اگر ما بخواهیم صد پنجاه سهم دولترا قرار بگذاریم گمان نمی کنم نصف صد هزار تومان هم عاید دولت بشود

در حال عقیده بنده این است که حاج معین التجار از ادعای خودش صرف نظر بکند و همان صد هزار تومان را که قبول کرده بود بپردازد و اگر چنانچه قول می دهد که از این معادن از هشت هزار الی ده هزار تن استخراج کند و قیمت آنرا هم خیلی عالی بکند بطوریکه وقتی حساب بکنند از قرار صد پنجاه معادل صد هزار تومان عاید دولت بشود بنده عرضی ندارم و میخواهد بفروشد

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده خیلی تعجب می کنم از فرمایشات آقای حاجی و گمان میکنم ایشان اشتباه فرموده باشند اولاً خاطر مبارک آقایان از قضایای این جزیره و کندی که آقای حاج معین التجار چاپ

هم فرمودند ممکن است تا ده هزار تن از

هم فرمودند ممکن است تا ده هزار تن از



کرده اند مسبق است و لازم نیست که بنده تاریخ این قضیه را یادآوری کنم که این معادن را در واقع آقای حاج معین - التجار احیاء کرده اند و هیچ محل شبهه هم برای کسی نیست که آقای حاج معین - التجار يك آدم انجباتی است که در نگاهداری این جزایر استقامت کرده است.

بنده تعجب میکنم از آقای حاجی و از آن حسابها اینکه آقای حاج میرزا عبدالوهاب در حدود اطلاعات خودشان فرمودند و در ضمن دفتری درآوردند و از روی آن حساب کردند که هشت هزار تن از قرار هرتنی ۳ لیره و پانزده شیلینگ که تقریباً چهار لیره فروش شده است فرض میکنم سی و دوهزار تن و لیره را از قرار پنجتومان و شش تومان حساب کنیم در این صورت چطور پنجاه هزار تومان عاید دولت میشود؟

پس بهتر این است ما قرار دهیم که هرچه عاید حاج معین میشود بالتساوی با دولت تقسیم نماید و آن اشکالی را که آقای اقبال السلطان درشور اول کردند و فرمودند که اگر چنانچه ما صد هزار تومان بگیریم در سال اول تمام خاک سرخ را میبرد و دیگر خاک در آنجاها نخواهد ماند نمی دانم آیا این اشکال در خاطر شان هست یا نه؟

پس بهتر اینستکه ما ترتیبی بدهیم که دولت شريك باشد هر قدر استخراج کردیس از موضوع مخارج بمنتها تصیف بشود نصف دولت و نصف حاج معین ببرد نهایت این است اسقاط دعایش هم میشود و آقای حاجی تصور میکنم طلب حاج معین - التجار از خاطر شان رفته برای اینکه تا چند نفر عضو کمیسیون بودجه بودم و در راپورتی که از آنجا صادر شد در حدود بیست و سه هزار لیره یا سی هزار تومان که حاجی میفرمایند دعای ایشان کلیتاً صد و پنجاه هزار تومان است حالیه ایشان حاضر شده اند که دعای خود را اسقاط کنند با این ترتیب تصیف باز اشکال - تراشی میکنند میگویند صد هزار تومان باید بدهد دیروز حاضر بود که صد هزار تومان بدهد يك اشکال هائی کردند و گفتند این ترتیب خوب نیست بهتر اینستکه اسقاط دعایش بشود.

بالاخره باین ترتیب آقای تدین پیش - نهاد کردند و طرف توجه مجلس واقع شده بنده تصور میکنم این خاک قرمز يك طلسمی شده نباید بگذرد برای اینکه اگر حقیقتاً بخواهیم این امتیاز را بدهیم موقع آن قبل از حمل است و هنوز این موضوع حل نشده است و خوب است آقا وارد شوند در راپورت و دفتر گمرک و بنده در کمیسیون بودجه بودم دیدم که از دفتر گمرک سالی هشت تا بلکه دها بیشتر

عاید دولت نشده است و با این ترتیب تصور میکنم خیلی هم ضرر کنند - حاصل اینکه حاج معین التجار مردی است که سابقه در این کار دارد و با صرفه استخراج میکند و آن وقت آن مخارج هم تصیف میشود و البته حاجی معین يك تاجر مهمی است چطور میشود گفت او دفتر منظم و مرتب ندارد و تصور میکنم ترتیب و تنظیم دفتر او مثل يك دفتر اداره اروپائی باشد و اگر چنانچه فرض کنیم دفتر حاج معین يك ترتیب و تنظیم مرتبی نداشته باشد اداره گمرک و اداره مالیه که در آنجا هست و دفاتر دارند و میداند چه مقدار خاک از سرحد خارج شده و چه مبلغ وبا بودن رئیس گمرک و رئیس مالیه تصور میکنم اشکال آقایان سیدالملك و مستشار السلطنه و حاجی بی منطق باشد و در نتیجه این اشکالات طوری میشود که این قضیه حل نمی شود.

در هر صورت خوب است آقایان در اطراف این پیشنهاد درست مطالعه بفرمایند که شاید این مسئله قبل از عمل حل شود با آقایان ترتیبی بدهند که دعای حاجی معین باقی باشد و سالی صد هزار تومان بدهد با اینکه هرچه عاید او شد دولت پس از وضع مخارج صد و هشتاد و پنج درصد در حقیقت نصف مال دولت و نصف مال حاج معین التجار باشد و اسقاط دعایش هم بشود و حقیقتاً دولت باید از حاجی معین تشکر نماید و بخواند کتاب را ببیند که چه آرزوهای در مقابل او شده و چه دولت های عظیمی با حاج معین طرفیت کرده اند و معلوم است علاوه بر منافع اقتصادی منافع سیاسی هم داشته اند ولی بعد از اینکه مدت ها استقامت بخارج داده و این جزایر را نگاهداری نموده با این ترتیب بنده عقیده ام اینستکه البته باید اورا تشویق کرد.

بدیهی است ایشان میخواستند استفاده شخصی نمایند و بنده عقیده ام این است که باید باین قبیل اشخاص همراهی و کمک نمود و نگذارد که پول های آنها در بانکها با فرجهای خیلی نازل بماند و باید ترتیبی کرد که هم خود آنها و هم مردم از پول آنها استفاده کنند؟

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه) شیخ الاسلام - اولاً این مطلب را آقای مستشار السلطنه و بعضی از آقایان دیگر فرمودند و بنده تصور نمیکنم باین ترتیب چیزی عاید دولت شود حالا کم کم مطلب قدری باز شده و معلوم میشود آقای تدین این پیشنهاد را کردند مقصودشان از این ترتیب رعایت با آقای حاج معین بود و دولت بیش از صد هزار تومان استفاده نمی کنند بلکه کمتر استفاده میکنند زیرا همانطوری که آقای حاج میرزا علی محمد

فرمودند باید حساب حاج معین را داد و سالی صد هزار تومان گرفت و یا اینکه باید حساب را ساقط نکرد و صد و پنجاه گرفت و از مذاکراتی که سایر آقایان فرمودند معلوم میشود این صد و پنجاه ضرر دولت است و بنده درست حساب راملتفت نشدم الا اینکه آقای دولت آبادی مخارج را هم در نظر نیاوردند همین قدر حساب کردند که سالی صد هزار تن خاک خارج میشود و بطوریکه حساب فرمودند صد و پنجاه هزار تومان میشود خلاصه آنکه با سابقه که بنده در عملیات دولت و حاج معین در این خاک قرمز دیده ام و با همین گمرکی که اسباب افتخار است که میگویند گمرک حساب و دفترش منظم است تصور نمی - کنم باین ترتیبی که میخواهند بدهند يك شاهي عاید دولت بشود.

بعلاوه بطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله و بعضی از آقایان دیگر تصور کرده اند نیست که بهمان دفاقت گمرک قناعت میشود زیرا که دفاتر گمرکی صورت مخارج ندارد که ببیند چند نفر عمه کار کرده اند یا چند چرخ بکار افتاده یا خریداری شده فقط دفتر گمرک میفهمد که چند تن خارج شده است والا از سایر ترتیبات دیگر ابدأ اطلاعی ندارد و گمان میکنم اگر باین ترتیب که ما از دفاتر گمرک و حاج معین داغوش باشیم و باین ترتیب این لایحه بگذرد تصور نمیکنم چیزی عاید دولت بشود و بنده باز تکرار میکنم که کاملاً باین ترتیب مخالفم و عقیده ام اینستکه بهمان پیشنهاد سابق که صد هزار تومان حاج معین بدهد عمل بشود و با او بان طریق معامله کنند و بطوری که آقای سیدالملك راجع بادعای او فرمودند خوب است يك چیزی هم از بابت حساب او معین کرد که همه ساله از این مبلغ کسر شود و چون آن ادعا هم يك حساب بفرنجی است آنرا هم باید در ضمن گذراندن اینکار ساقط کرد.

رئیس - چون عمه برای مذاکرات کافی نیست بقیه آن باشد برای بعد از تنفس (در اینموقع جلسه برای تنفس ویس از نیم ساعت مجدداً در تحت ریاست آقای مدرس نایب - رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده خواستم خاطر محترم آقایان را متذکر کنم (چنانچه در خاطر شان باشد) درسال گذشته که آقایان اصفهانی ها پیشنهاد کردند راجع بمسئله ورود کارون که باید اقدامی بشود که ضرری فاحش ببرد آن صفعات نخورد و راجع باین موضوع مذاکرات زیاد نمودند که بنده تکرارش را جایز نمیدانم در هر صورت بنده در آن موقع در اینجا عرض میکردم که

ها را بنده دادند و بنده درست مطالعه کردم حالا کار ندارم بجزئیات آن داخل در آن مذاکراتی که آقایان کردند نمی شوم همین قدر عرض میکنم ده سال یا پانزده سال است که این معادن را آزاد گرفته اند ملاحظه بفرمائید این مدتی را که اداره گمرک این جزایر را در تصرف داشته باینکه ما هر روز فریاد میزنیم که خزانه دولت تهی میشود در این یازده سال ملاحظه بفرمائید چقدر از این محل بجزایر دولت وارد شده است غیر از اینکه اداره گمرک خرج تراشی برای دولت کرده است چیزی بی سرمایه و عایدات اینجا افزوده است وقتی ما ملاحظه این یازده سال را که در همین مجلس شورای ملی از زمانیکه کان ملی هستند جوال جوال لیره است که از این معادن میبرند بعد که بدست ایرانی ها افتاد دیدیم که جوال جوال لیره نیست و خاک است باین وقایعی که در این یازده سال تمام نصب العین ما بوده است حالایک نفر که خیال آباد کردن این رادارد و خدماتی هم با اقتصاد مملکت کرده است مثلاً ملاحظه فرمائید تخم نوغان آورده چراغ برق آورده و عشق دارد باینکه سرمایه خودش بکار بیندازد هم برای دولت وهم برای ملت و رعیت مفید یافته است و آنها استقاده میکنند و دیگر متمولین پولشان را بخارجه میبرند و در همین مملکت مصرف و خرج می کنند و این همه رشته فقر که برای ایرانی ادوار گذشته باین قبیل همراهی ها و مساعدت ها با سرمایه داران ایرانی دولت های وقت مبادرت ننموده و آنها سرمایه خود را در خارجه برای منفعت مصرف می نمودند و ملت بیچاره باین واسطه دوچار فقر و فلاکت اقتصادی میشدند این عراض بنده بود که در آنوقت مینمودم که دولت و ملت ایران تمام دارای يك جزو يك حس هستند و پول دولت از این جیبش بچیب دیگرش میبرد و چنانچه آقایان درجاریه خارجه دیده اند که چطور دول و ملل دیگر حتی رقابت و دوئیت بین دولت و ملت آنها نیست و بچه ترتیب رو بترقی و مساعدت میروند و اگر چنانچه این حس در ما ایجاد میشد و این قبیل ایرادات و اشکالات را تولید نمی کردند و بالاخره ایرانی ها را تشویق و ترغیب می نمودند گمان میکردم همین اقدام باعث تشویق و ترغیب و ترویج آنها شده و ما موفق می شدیم که يك قدم سعادت برای مملکت برداریم این بود عراض سال گذشته که يك تاریخی شرح عملیات تاریخچه از عملیات او را طبع نموده و بدست آقایان نمایندگان که مقدرات سیاسی ملت و مملکت در دستشان است دادند که آقایان ملاحظه نموده از چگونگی امر مستحضر شوند من جمله یکی از آن کتابچه

آقایان تاریخ آنرا ملاحظه فرمایند میداند در زمان مرحوم ناصرالدین شاه سالی دوست تومان بدولت می دادند و آن را هم برای تعزیه داری تخصیص داده بودند و حاج معین التجار بواسطه شوق زیادی که برای استخراج این معادن در کله اش داشت آمد و این معادن را استخراج کرد سالی دوهزار تومان - دوازده هزار تومان - چهارده هزار تومان بدولت می دادند تا اینکه يك مسائل سیاسی واقع شد و آن چیزهائی که نباید عرض کنم اتفاق افتاده و بالاخره باعث این شد که آن معادن را از دست حاج معین التجار گرفتند و خود دولت عمل کردند چنانچه آن کتابچه که من بر شما معلوم خواهد شد و حالا باین زحماتی که این شخص کشیده است و مقدار زیادی متضرر شده اینست باز حاضر است که این معادن باو واگذار شود که صدی پنجاه خودش بر دارد صدی پنجاه بدولت بدهد و در موضوع نطق میفرمائید که صدی هشتاد و چهار اجنبی میبرد و صدی شانزده بدولت بدهد و ما هم باسلام و صلوات آن را بپذیریم ولی این جا میگویند صدی پنجاه دولت به برد و صدی ۵۰ هم او ببرد و مخارج استخراج هم با او باشد باز اشکال میکیند و می گویند دفاتر منظمی ندارد و چه وجه و حال آنکه هم دفاتر گمرک منظم است وهم دفاتر حاجی معین التجار البته حاجی معین التجار هم شخص امینی است و هم دفتر مرتب و منظمی دارد میفرمائید این پول از کجا بدولت داده میشود.

بنده عرض میکنم همان دولتی که چهار و هشت کرور مالیات مستقیم و غیر مستقیم را وصول میکند همان دولت این وجه را هم وصول میکند چطور آنجا دولت محل اعتماد است این جا نیست؟ آنجا حساب سازی نمی کنند اینجا می کنند و بنده هرچه ملاحظه کردم از فرمایشات آقای سدید الملك و آقای شیخ الاسلام چیزی نفهمیدم که می فرمایند (مادر آخر سال حساب کنیم چیزی عاید دولت نمی شود) آیا از این چهار و هشت کرور مالیات مستقیم و غیر مستقیم و این عوارض که بر ملت تحمیل شده در آخر سال چقدر برای دولت باقی مینماید؟ خلاصه با این مقدماتی که بر سیبل اجمال عرض کردم از مجلس شورای ملی استدعا میکنم که این لایحه را تصویب بفرمایند و ایرانی ها را تشویق کنند ملتی که فقر و فاقه سرتاسر آنها را فرا گرفته اگر يك تومان دارند نباید در خود ایران خرج و مصرف کنند تا سرمایه داران متوجه شوند منابع ثروت را کشف کنند خوب است مجلس شورای ملی در

این جا کرامت و همراهی بفرمایند و بيك تاجری که خارجی نیست این معادن را واگذار فرمایند آن هم باین طریقی که پیشنهاد کردیم که صدی پنجاه بدولت بدهد و صدی ۵۰ خودش بردارد کدام امتیازی تا حال از مجلس شورای ملی گذشته است که اینطور ملاحظه دولت شده باشد و اگر آقایان بگویند در آخر سال چیزی باقی نمی ماند بنده عرض می کنم از چهل و هشت کرور در آخر سال چه باقی می ماند و همان دفاتر و مأمورینی که در اینجا محل اطمینان شماست در آنجا هم بگمارد باین بود عراض بنده دیگر عرضی ندار (بعضی گفتند مذاکرات کافی است) قدین موقع به بنده ترسید توضیحات کافی بدهم اگر لازم میدانند اجازه بدهید توضیح بدهم نایب رئیس - بفرمائید تدین - علت پیشنهاد خود را عرض کنید آقایان میرسانم در لایحه که از طرف دولت بمجلس شورای ملی تقدیم شده بود در اینر آن را تا نایب از کمیسیون بچسب دادند و آقایان در نظر دارند در آن جا تصریح شده است که صاحب امتیاز ملتزم است و در مدت پانزده سال سالی صد هزار تومان بدون هیچگونه تعللی بدهد اگر این مطلب را ایشان می گویند دفاتر منظمی ندارد و چه وجه و حال آنکه هم دفاتر گمرک منظم است و هم دفاتر حاجی معین التجار البته حاجی معین التجار هم شخص امینی است و هم دفتر مرتب و منظمی دارد میفرمائید این پول از کجا بدولت داده میشود.

بنده عرض میکنم همان دولتی که چهار و هشت کرور مالیات مستقیم و غیر مستقیم را وصول میکند همان دولت این وجه را هم وصول میکند چطور آنجا دولت محل اعتماد است این جا نیست؟ آنجا حساب سازی نمی کنند اینجا می کنند و بنده هرچه ملاحظه کردم از فرمایشات آقای سدید الملك و آقای شیخ الاسلام چیزی نفهمیدم که می فرمایند (مادر آخر سال حساب کنیم چیزی عاید دولت نمی شود) آیا از این چهار و هشت کرور مالیات مستقیم و غیر مستقیم و این عوارض که بر ملت تحمیل شده در آخر سال چقدر برای دولت باقی مینماید؟ خلاصه با این مقدماتی که بر سیبل اجمال عرض کردم از مجلس شورای ملی استدعا میکنم که این لایحه را تصویب بفرمایند و ایرانی ها را تشویق کنند ملتی که فقر و فاقه سرتاسر آنها را فرا گرفته اگر يك تومان دارند نباید در خود ایران خرج و مصرف کنند تا سرمایه داران متوجه شوند منابع ثروت را کشف کنند خوب است مجلس شورای ملی در

امتیاز بطور عادلانه بشود آنچه که بنده تصور کردم راه عادلانه اش این است که دولت با صاحب امتیاز شريك باشند و همان طور که پیشنهاد شده است صدی پنجاه از عایدات خالص در سال بعد از وضع مخارج بدولت بدهد و این از نقطه نظر امتیاز وقتی ملاحظه فرمائید اولین امتیازی است که در این ماخذ تعیین میشود در اینجا يك اشتباهی در حساب شده است که خیلی شبیه بمغالطه است. آقای دولت آبادی و سایر ناطقین محترم اظهاراتی فرمودند که اگر بگوئیم صدی پنجاه بدولت ضرر زده ایم و این مغالطه است. آقایان خیال میکنند که صد هزار تومان روی این میز گذارده شده است و تصور میکنند که صدی پنجاه قرار نگذاریم پنجاه هزار تومان بیشتر بدولت نرسد و ما بخدرا همان صد هزار تومان میگیرند و همچو تصور میکنند که در عرض پانزده سال هفتصد و پانزده هزار تومان ما بدولت ضرر زده ایم در صورتیکه اینطور نیست اولاً وجه صد هزار تومان در صورتیکه قبول بشود رفع آن احتیاط کاری را که بنده بطور اجمال عرض کردم نمیکند تا نایب صد هزار تومانی را که صاحب امتیاز بدولت میدهد آیا خودش منفعت نمیببرد؟ اشتباه است پس عایدات و منافع او بیشتر از صد هزار تومان است که صد هزار تومان بدولت میدهد و يك هزار تومان عایدات خالص معادن شد آنوقت هم از قرار صدی پنجاه صد هزار تومان دولت خواهد برد پس این يك مغالطه است اینطور نیست دعای حاجی معین التجار که قدر متیقن آن ۲۵ هزار لیره است وقتی اسقاط شد این لایحه دیگر يك امتیازی بیش نیست از نقطه نظر امتیاز باید اینرا حل کرد مخارج در آنجا هر چه شد آنهم خیلی محدود است چنانچه در تبصره هم قید شده مخارج اداری است و حمل و نقل و فروش از قبیل حق مکان یا گمرک که در خارجه میدهند بهما از وضع مخارج از عایدات خالص صدی بیست و نه باید بدولت ببرد ممکن است که در يك سال صد و پنجاه هزار تومان عایدات خالص باشد یا دوست هزار تومان یا کمتر یا بیشتر پس اینجا نباید تصور کرد که در يك سال صد و پنجاه هزار تومان مسلم بود و ما پنجاه هزار تومان بدولت ضرر زدیم بنابراین طریق که حقیقتاً مانع دولت را در آتیه تأمین نماید همین طریق است که دولت مخارجی که در معادن میشود در تحت يك تفتیشات و نظارتهای کامله در آورده بعد از وضع آن مخارج هر چه عاید شد نصف دولت ببرد و نصف صاحب امتیاز و این عادلانه تر است و اینکه می فرمایند کمیانی امریکائی آمده بود و می خواست این امتیاز بصد و ده هزار تومان یا صد و هشت هزار تومان باو داده شود بنده عرض میکنم در آن تاریخی که صد و هشت هزار تومان بود - دلار چهارده قران بود ولی امروز یازده قران و چیزی کم است



**رئیس التاجار** - يك تومان و بانزده شاهی است  
**تقدیرین** - بلی یا آن جهاده قران صد و هشت هزار تومان می شود ولی بایک تومان و بانزده شاهی کمتر از صد و هشت هزار تومان می شود

( صحیح است )  
 بنابراین بنده تصور میکنم که بیش از این لازم نیست توضیح بدهم و عقیده بنده این است که طوری شود که در آتیه هم منافع دولت و هم منافع يك تاجر ایرانی محفوظ بماند دیگر بسته بنظر آقایان نمایندگان است .

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است )  
**نایب رئیس** - کافی است ؟  
 بعضی از نمایندگان - (بلی کافی است)  
**نایب رئیس** - پیشنهادات قرائت می شود .

(پیشنهادی از طرف آقای اقبال السلطان بمضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد می کنم - صد هفتاد و بدولت پرداخت شود

اقبال السلطان  
 نایب رئیس - آقای اقبال السلطان ( اجازه )

اقبال السلطان - بنده تصدیق دارم که نظریه آقایان نمایندگان همیشه برای حفظ منافع دولت بوده و در تعقیب این اصل است که پیشنهادات مختلف بمجلس تقدیم میشود آقای تدین هم هیچ مقصودی نداشته اند مگر اینکه مقصودشان این بود که يك ترتیب تعادلی بین حاج معین التاجار و دولت بشود و در مرتبه اول که میخواهند این پیشنهاد را بمجلس تقدیم کنند بنا بنده هم مذاکره فرمودند و بنده فرمایشات ایشان را کاملاً تصدیق کردم بعد که داخل در حساب شدیم می بینیم این معامله برای دولت از قران صد ۵۰ خیلی ضرر دارد و با آن صد هزار تومان که سابقاً بمجلس پیشنهاد شده بود خیلی تفاوت دارد از مذاکراتی که در این جلسه شد دوسه مطلب ناظرین مترجم فرمودند که ممکن است ذهن نمایندگان را تا يك اندازه مشوب کنند و خاطر آقایان را برای دادن باین پیشنهاد جلب کنند بنده ناچارم از این گفتگوها دفاع کنم .

اولاً گفته شد که چندین سال گمرک نفع جزایر را ضبط کرده و بیش از ده هزار تومان و هشت هزار تومان عایدات نداشته همین مسئله که گفته میشود ده هزار تومان بیشتر در سال عایدات نداشته است اسباب سوءظن برای آقای تدین میشود که اصل آن معامله را معامله عقلائی نبی دانند مطلب اینطور نیست درست است عایدات گمرک در این چند سال هشت هزار تومان ده هزار

تومان بیست هزار تومان بوده ولی چطور معامله بوده؟ باید باصل معامله رسیدگی کرد تا اصل مطلب معلوم شود گمرک مختار نبوده باینکه هر قدر خاك مشتري دارد از این معادن بیرون بیاورد و بفروشد طرف معامله وزارت امور خارجه بود و طرف معامله اوبك كميانی بوده است و با آن كميانی معامله خاك می شده آن كميانی در سال هر مقدار لازم می داشت از وزارت خارجه می خرید و بگمرک اجازه صادر میشد که این مقدار خاك بكميانی يكسال ده هزار تومان يكسال هشت هزار تومان لازم داشت و يك مأخذ معینی نداشت که ما امروز آن مأخذ را قرار بدهیم دیگر اینکه گفته شد در اینجا امتیازاتی که داده شده از قران صد ۱۶ یا صد ۱۷ یا صد ۲۰ بوده و اولین امتیاز است که در ایران از قران صد ۵۰ داده میشود .

آیا شما سراغ دارید امتیازی که بآن عمل شده باشد در مرتبه آن را بصدد ۱۶ داده باشند؟ ابدأ این معدن مکشوف است و غیر از معادنی است که باید بیرون زدیم بکشند بعد به بنده که آید از آنجا چیزی هست یا نیست مثلاً معدن نفت جنوب اگر بعد از انقضاء مدتش صاحب امتیاز بمجلس پیشنهاد کنند که امتیاز را بصدد ۲۰ یا صد ۳۰ بدهند خواهیم داد؟ نه ابدأ نخواهیم داد برای اینکه این معدن مال خودمانست و کسی شرکتی در این معدن ندارد که ما يك حقی بدهیم یقیناً وقتی مدت امتیاز منقضی شد راضی میشود که صدی ۵۰ هم با بدهیم و فقط يك مخارج باید موضوع شود و اینکه گفته شد حسابی که آقای دولت آبادی کردند مقاله است اتفاقاً این حساب خیلی روشن است .

... (بعضی از نمایندگان - آقا این فرمایشات خارج از موضوع است)  
 اقبال السلطان - بنده تا این صحبتها را نکنم نمیتوانم دلیلی برای پیشنهاد خود عرض کنم .  
 فرمودند این حساب مقاله است و حال آنکه اینطور نیست اصل پیشنهادی که حاج معین التاجار بمجلس تقدیم داشته صد هزار تومان است آیا حاج معین التاجار با دولت و مجلس شوخی میکند؟ که يك پیشنهادی را که اساس ندارد تقدیم مجلس کند؟ بنده تصور میکنم حاج معین التاجار يك آدمی باشد که بخواهد شوخی کرده باشد و دولت هم بخواهد از روی مزاح با کسی صحبت کند بنده عقیده دارم وقتی حاج معین التاجار پیشنهادی تقدیم میکنند که من ببلغ صد هزار تومان قبول کردم نقد است و خواهد داد و اگر هم نقداً یقیناً از او خواهند گرفت پس بنا بفرمایش آقای تدین مأخذ امروزه صد هزار تومان است ممکن است که دویست هزار

تومان عمل کند و قتیکه دویست هزار تومان عمل کند همین صد هزار تومان بما میرسد اگر صد هزار تومان عمل کند پنجاه هزار تومان بما میرسد و در عرض ۱۵ سال ۷۵۰ هزار تومان بما ضرر میرسد یا اگر ۱۵۰ هزار تومان عمل کرد در ۱۵ سال ۴۵۰ هزار تومان بما ضرر میرسد و بدون جهت يك ضرری بدولت متوجه میشود و بنده اساساً با دادن این امتیاز مخالفم در شور اول و دوم هم مخالف بودم و با کسی هم ندارم که بگویم مخالفم و بنده معتقدم معدنی را که دولت می تواند عمل کند لازم نیست که بدیگران امتیاز بدهد ولی چون می بینم آقایان نمایندگان خیلی بظرف آقای حاج معین التاجار مایلند و خدمات ایشانرا منظور میدارند و با کمال جدیت با ایشان دوستی میکنند بنده هم موافقت میکنم که این امتیاز داده شود و از آنطرف حاج معین التاجار ادعا میکند که من از دولت طلب دارم بنده هیچ اشکالی ندارم که رسیدگی شود و طلبش هم پرداخته شود ولی حالا که میخواهند يك کمک و يك رعایتی بشود پیشنهاد بنده را قبول بفرمایند پیشنهاد بنده این است که ۱۷۰۰ به دولت و صد ۳۰ بدون جهت بجای معین - داده شود سببش را هم قبول میکنم چون حاج معین التاجار کاشف این معدن است و يك زحماتی در اینجا کشیده يك ۱۳۷ از این معدن در ظرف ۵۱ سال با بدهیم چون مطابق این پیشنهاد که بمجلس تقدیم شده است مخارج اواصل آنجا کی که استخراج میشود منها میشود و ابدأ خرج بجای معین التاجار تعلق نمیگیرد فقط چیزیکه هست این است که حاج معین التاجار قبلاً يك مخارجی خواهد کرد که این مخارج ابتدائی و اثابته ۳۰ هزار تومان بیشتر نخواهد بود بعد منفعت این ۳۰ هزار تومان را بر میدارد و بر فرض هم بفرماید بر نمیدارد و در آخر ۱۵ سال این اسبابها که بما خواهد داد دوهزار تومان بیشتر قیمت ندارد

پس حاج معین التاجار آن مخارجی را که بابت استخراج میکند از خود این خاك بر میدارد و از کبسه خودش دیناری نمیدهد در ظرف ۱۵ سال يك صدی ۲۰ بجای معین التاجار برای زحمانیکه کشیده شما میدهد - حالا فرض میکنم تمام عایدات همان مبلغی باشد که خود حاج معین التاجار پیشنهاد کرده و قتیکه صد هزار تومان شما مأخذ میگیرید در سال ۳۰ هزار تومان از این صد هزار تومان بجای معین التاجار داده می شود که در ظرف ۱۵ سال میشود ۴۵۰ هزار تومان و در هر ماهی دوهزار و پانصد تومان میشود که برای میل آقایان بجای معین التاجار داده میشود پس لازم نیست که نصف آنرا بجای معین التاجار بدهید میخواهید صدی صدرا هم بدهید بنده حرفی ندارم شیخ الاسلام - بنده اخطار نظامنامه دارم

**نایب رئیس** - بفرمایند شیخ الاسلام - مطابق نظامنامه داخلی مجلس توضیحاتیکه در ذیل پیشنهاد داده میشود باید مختصر باشد همین قسم که نظامنامه در حق معین التاجار می شود و مورد اخطار شفاهی و کتبی واقع می شوند بنده استدعا میکنم در حق متدین هم مجری شود

مخبر - بنده میخواستم یادآوری کنم اولاً هر يك از نمایندگان نمیتوانند عقاید خودشانرا در امورات سیاسی و اقتصادی مملکت بیان فرمایند و همانطور که آقای اقبال السلطان عقیده دارد بگمرک خوبت این معادنرا اداره کنند بنده هم حاج معین - التاجار را خوب میدانم و همانطور که ایشان ۳۰ هزار تومان را کافی میدانند بنده کافی نمیدانم و احدی از نمایندگان حق ندارد عقیده کسی تعرض کند و اینکه می فرمایند كميانی مخصوص اینکار را میکند فراموش نکنند چندی قبل شاهزاده سلیمان میرزا در اینجا توضیح دادند که تجارت عرضه و تقاضا لازم دارد آن كميانی اگر برایش منفعت داشت لازم نبود سالی صد هزار تومان بخرد سالی ۳۰۰ هزار تومان میخريد و اینکه فرمودند كميانی پیشنهاد کرده در آن صورت مخارج هم بهمه دولت بود و اینرا هیچ کس یادآوری نکرد بلی ۸۶ هزار دولازم میداد ولی مخارج بهمه دولت بود بنده پیشنهاد شاهزاده را نمیتوانم قبول کنم که هم طلب دولت را بدهد و هم صد ۷۰ بدهد و اینکه شاهزاده تصور میکنند ادعای او موهوم است که از روی بی منطقی ادعای طلب میکنند در حسابینت آقای مشیرالدوله در کمیسیون بودجه يك قسمت آن پیشنهاد شد و در کمیسیون گفتگوها شد و ۲۵ هزار لیر داش را کمیسیون تصدیق کرد و ۷۰ هزار لیر اش هنوز نگذشته است پس باین شدت موهومیکه آقایان تصور می کنند نیست چون بنده در کمیسیون بودم و اطلاع دارم

**نایب رئیس** - آقای کازرونی ( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )  
**نایب رئیس** - مذاکرات در پیشنهاد آقای اقبال السلطان کافی است ( جمعی گفتند بلی )  
 پیشنهاد آقای اقبال السلطان مجدداً قرائت شد )  
**نایب رئیس** - این يك قدری توضیح ندارد ( بعضی گفتند خیر توضیح داده شد )  
**نایب رئیس** - آقایانیکه با پیشنهاد آقای اقبال السلطان موافقت قیام فرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد

پس حاج معین التاجار آن مخارجی را که بابت استخراج میکند از خود این خاك بر میدارد و از کبسه خودش دیناری نمیدهد در ظرف ۱۵ سال يك صدی ۲۰ بجای معین التاجار برای زحمانیکه کشیده شما میدهد - حالا فرض میکنم تمام عایدات همان مبلغی باشد که خود حاج معین التاجار پیشنهاد کرده و قتیکه صد هزار تومان شما مأخذ میگیرید در سال ۳۰ هزار تومان از این صد هزار تومان بجای معین التاجار داده می شود که در ظرف ۱۵ سال میشود ۴۵۰ هزار تومان و در هر ماهی دوهزار و پانصد تومان میشود که برای میل آقایان بجای معین التاجار داده میشود پس لازم نیست که نصف آنرا بجای معین التاجار بدهید میخواهید صدی صدرا هم بدهید بنده حرفی ندارم شیخ الاسلام - بنده اخطار نظامنامه دارم

(پیشنهاد آقای شیخ الاسلام اصفهانی بمضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم حق دولت همان سالی يكصد هزار تومان شیخ الاسلام اصفهانی - بنده استرداد نامه در حق معین التاجار می شود و مورد اخطار شفاهی و کتبی واقع می شوند بنده استدعا میکنم در حق متدین هم مجری شود

مخبر - بنده میخواستم یادآوری کنم اولاً هر يك از نمایندگان نمیتوانند عقاید خودشانرا در امورات سیاسی و اقتصادی مملکت بیان فرمایند و همانطور که آقای اقبال السلطان عقیده دارد بگمرک خوبت این معادنرا اداره کنند بنده هم حاج معین - التاجار را خوب میدانم و همانطور که ایشان ۳۰ هزار تومان را کافی میدانند بنده کافی نمیدانم و احدی از نمایندگان حق ندارد عقیده کسی تعرض کند و اینکه می فرمایند كميانی مخصوص اینکار را میکند فراموش نکنند چندی قبل شاهزاده سلیمان میرزا در اینجا توضیح دادند که تجارت عرضه و تقاضا لازم دارد آن كميانی اگر برایش منفعت داشت لازم نبود سالی صد هزار تومان بخرد سالی ۳۰۰ هزار تومان میخريد و اینکه فرمودند كميانی پیشنهاد کرده در آن صورت مخارج هم بهمه دولت بود و اینرا هیچ کس یادآوری نکرد بلی ۸۶ هزار دولازم میداد ولی مخارج بهمه دولت بود بنده پیشنهاد شاهزاده را نمیتوانم قبول کنم که هم طلب دولت را بدهد و هم صد ۷۰ بدهد و اینکه شاهزاده تصور میکنند ادعای او موهوم است که از روی بی منطقی ادعای طلب میکنند در حسابینت آقای مشیرالدوله در کمیسیون بودجه يك قسمت آن پیشنهاد شد و در کمیسیون گفتگوها شد و ۲۵ هزار لیر داش را کمیسیون تصدیق کرد و ۷۰ هزار لیر اش هنوز نگذشته است پس باین شدت موهومیکه آقایان تصور می کنند نیست چون بنده در کمیسیون بودم و اطلاع دارم

**نایب رئیس** - آقای کازرونی ( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )  
**نایب رئیس** - مذاکرات در پیشنهاد آقای اقبال السلطان کافی است ( جمعی گفتند بلی )  
 پیشنهاد آقای اقبال السلطان مجدداً قرائت شد )  
**نایب رئیس** - این يك قدری توضیح ندارد ( بعضی گفتند خیر توضیح داده شد )  
**نایب رئیس** - آقایانیکه با پیشنهاد آقای اقبال السلطان موافقت قیام فرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد

پس حاج معین التاجار آن مخارجی را که بابت استخراج میکند از خود این خاك بر میدارد و از کبسه خودش دیناری نمیدهد در ظرف ۱۵ سال يك صدی ۲۰ بجای معین التاجار برای زحمانیکه کشیده شما میدهد - حالا فرض میکنم تمام عایدات همان مبلغی باشد که خود حاج معین التاجار پیشنهاد کرده و قتیکه صد هزار تومان شما مأخذ میگیرید در سال ۳۰ هزار تومان از این صد هزار تومان بجای معین التاجار داده می شود که در ظرف ۱۵ سال میشود ۴۵۰ هزار تومان و در هر ماهی دوهزار و پانصد تومان میشود که برای میل آقایان بجای معین التاجار داده میشود پس لازم نیست که نصف آنرا بجای معین التاجار بدهید میخواهید صدی صدرا هم بدهید بنده حرفی ندارم شیخ الاسلام - بنده اخطار نظامنامه دارم

عملی نیست و اگر مجلس شورای ملی به خواهد باین ترتیب رأی بدهد خوب است  
 اصلا رد کنید و این قدر يك ایرانی را برای دادن يك امتیاز متضخ نکنید  
**نایب رئیس** - آقایانی که با پیشنهاد آقای شیخ الاسلام موافقت قیام فرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد  
 پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی به شرح ذیل قرائت شد  
 پیشنهاد می کنم صدی ۵۰ حقوق دولت را حاج معین التاجار قبل از وضع مخارج استخراجی کارسازی نماید  
 حاج میرزا مرتضی ( بعضی گفتند رد شد )  
 پیشنهاد آقایان حاج امین التاجار و میرزا سید حسن کاشانی بمضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم این قسم نوشته شود .  
 صاحب امتیاز ملزم است حقوق دولت را صدی چهل از کلیه عایدات فروش خاك سرخ در سه ماه اول هر سال از بابت سال قبل بپردازد .  
 تبصره - کلیه مخارج استخراج و حمل و نقل و غیره خرید و تهیه اثابته در عهده صاحب امتیاز است  
 امین التاجار  
 حاج امین التاجار

در اینجا آقایان صدی ۵۰ پیشنهاد فرمودند ولی مخارج استخراج و حمل و نقل و فروش خاك فرمز افلا صدسی خواهد بود .  
 در پیشنهادی که در کمیسیون شده تقریباً صد بیست یا صد بانزده منافع دولت را منظور کرده اند  
 بنده این پیشنهاد را کرده ام و مضمونش این است که در صورتی که صد چهل به دولت بدهند و مخارج هم بر عهده حاج معین التاجار باشد صدسی بیشتر عاید حاج تملل کرد دولت خواهد برد ممکن است سی هزار تومان عاید دولت شود . اینست که بنده پیشنهاد کردم سالی ۹۰ هزار تومان بدهد و حساب آنهم صاف و صریح است والا سایر این ترتیبات اشکالات را دارد از این حساب صاف تر بنده چیزی نمی دانم  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای زنجانی .  
 آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام نمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم - مادد چنین نوشته شود:  
 همه ساله حاج معین التاجار ۹۰ هزار تومان بدو قسط بدولت خواهد پرداخت و اگر تملل کند دولت معدن را ضبط نموده بقدر طلب خود از عایدات خاك سرخ اخذ خواهد نمود .  
 ابراهیم زنجانی  
**نایب رئیس** - بفرمایند  
**زنجانی** - آقایان توجه بفرمایند بنده مطلب را قدری روشن میکنم بعد می خواهید رأی بدهید یا نه دهید مختارید - موافق پیشنهاد سابق ادعا باقی مینماید و بنده از جهانی آن را مضر میدانم الزام امور قطع این دعواست خود آقای حاج معین التاجار قبول کرده است در صورتیکه خرج بهمه او باشد سالی صد هزار تومان بدهد این را خودش اول قبول کرده فرض میکنم صدسی هم خرج کرد باید دویست و سی هزار تومان فایده داشته باشد تا صد هزار تومان بدولت بدهد یعنی سی هزار تومان خرج و صد هزار تومان مال او صد هزار تومان هم مال دولت - و این قصور ندارد که سی هزار تومان خرج میکند نصفش را ایشان بپردازند نصفش را دولت ببرد .  
 بنابراین پیشنهاد آقای تدین اینطور تصور کرد بنده فرض کردم ادعای او زیاد از صد و پنجاه هزار تومان نیست صد هزار تومان را که قبول کرده است این صد و پنجاه هزار تومان را در ظرف این مدت ۱۵ سال وقتی با سلسله کسرها تمام تقاضا نود هزار تومان میشود و دعوی هم ساقط میشود .  
 اگر آن دعوی اساسی دارد حقیقت مطلب اینست .  
 اما از آن طرف قید کردن اینکه اگر تملل کرد دولت ضبط کند اینهم بکلی لغو است زیرا می بیند کم آمده تملل می کند میگوید بیاید بپرداز پس در حقیقت صد هزار تومان نبوده صد هزار تومان در وقتی است که بدهد والا اگر شرط کنیم وقتی تملل کرد دولت خواهد برد ممکن است سی هزار تومان عاید دولت شود . اینست که بنده پیشنهاد کردم سالی ۹۰ هزار تومان بدهد و حساب آنهم صاف و صریح است والا سایر این ترتیبات اشکالات را دارد از این حساب صاف تر بنده چیزی نمی دانم  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای زنجانی .  
 آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام نمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود  
 ابراهیم قمی  
**میرزا ابراهیم قمی** - استرداد میکنم .  
 (پیشنهاد آقای سید الملک به مضمون ذیل قرائت شد )  
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارگانه .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
**سید الملک** - بنده پیشنهاد دیگری کرده ام .  
 ( بشرح آتی قرائت شد )  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
 سید الملک  
**سید الملک** - اولاً بنده کاملاً متقدمم که باید این امتیاز را بجای معین التاجار داد .  
 و ثانیاً اینکه حاج معین التاجار می - گوید من صد هزار تومان نقد میدهم راست میگویی حاج معین التاجار يك نفر آدم درست و صحیح العملی است ولی از روی این اصل که حاج شیخ اسدالله فرمودند که حاج معین التاجار فرضاً صد هزار تومان دویست هزار تومان طلب دارد بنده فکر کردم اول نود هزار تومان پیشنهاد کردم بعد آن را کمتر کردم هشتاد و پنج هزار تومان کردم که طلب حاج معین التاجار با فرع باو رسیده باشد که هر سالی پنج هزار تومان بدولت بدهد و ۱۵ هزار تومان از بابت طلب خودش بردارد .  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای سید الملک  
 آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای دولت آبادی بمضمون ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود  
 ( دولت آبادی )  
**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی** - بنده میخواستم از آقایانی که صد پنجاه و صد چهل پیشنهاد میکنند استوال کنم در صورتیکه حاج معین التاجار از طلب

بنده پیشنهاد میکنم - مادد چنین نوشته شود:  
 همه ساله حاج معین التاجار ۹۰ هزار تومان بدو قسط بدولت خواهد پرداخت و اگر تملل کند دولت معدن را ضبط نموده بقدر طلب خود از عایدات خاك سرخ اخذ خواهد نمود .  
 ابراهیم زنجانی  
**نایب رئیس** - بفرمایند  
**زنجانی** - آقایان توجه بفرمایند بنده مطلب را قدری روشن میکنم بعد می خواهید رأی بدهید یا نه دهید مختارید - موافق پیشنهاد سابق ادعا باقی مینماید و بنده از جهانی آن را مضر میدانم الزام امور قطع این دعواست خود آقای حاج معین التاجار قبول کرده است در صورتیکه خرج بهمه او باشد سالی صد هزار تومان بدهد این را خودش اول قبول کرده فرض میکنم صدسی هم خرج کرد باید دویست و سی هزار تومان فایده داشته باشد تا صد هزار تومان بدولت بدهد یعنی سی هزار تومان خرج و صد هزار تومان مال او صد هزار تومان هم مال دولت - و این قصور ندارد که سی هزار تومان خرج میکند نصفش را ایشان بپردازند نصفش را دولت ببرد .  
 بنابراین پیشنهاد آقای تدین اینطور تصور کرد بنده فرض کردم ادعای او زیاد از صد و پنجاه هزار تومان نیست صد هزار تومان را که قبول کرده است این صد و پنجاه هزار تومان را در ظرف این مدت ۱۵ سال وقتی با سلسله کسرها تمام تقاضا نود هزار تومان میشود و دعوی هم ساقط میشود .  
 اگر آن دعوی اساسی دارد حقیقت مطلب اینست .  
 اما از آن طرف قید کردن اینکه اگر تملل کرد دولت ضبط کند اینهم بکلی لغو است زیرا می بیند کم آمده تملل می کند میگوید بیاید بپرداز پس در حقیقت صد هزار تومان نبوده صد هزار تومان در وقتی است که بدهد والا اگر شرط کنیم وقتی تملل کرد دولت خواهد برد ممکن است سی هزار تومان عاید دولت شود . اینست که بنده پیشنهاد کردم سالی ۹۰ هزار تومان بدهد و حساب آنهم صاف و صریح است والا سایر این ترتیبات اشکالات را دارد از این حساب صاف تر بنده چیزی نمی دانم  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای زنجانی .  
 آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام نمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم - مادد چنین نوشته شود:  
 همه ساله حاج معین التاجار ۹۰ هزار تومان بدو قسط بدولت خواهد پرداخت و اگر تملل کند دولت معدن را ضبط نموده بقدر طلب خود از عایدات خاك سرخ اخذ خواهد نمود .  
 ابراهیم زنجانی  
**نایب رئیس** - بفرمایند  
**زنجانی** - آقایان توجه بفرمایند بنده مطلب را قدری روشن میکنم بعد می خواهید رأی بدهید یا نه دهید مختارید - موافق پیشنهاد سابق ادعا باقی مینماید و بنده از جهانی آن را مضر میدانم الزام امور قطع این دعواست خود آقای حاج معین التاجار قبول کرده است در صورتیکه خرج بهمه او باشد سالی صد هزار تومان بدهد این را خودش اول قبول کرده فرض میکنم صدسی هم خرج کرد باید دویست و سی هزار تومان فایده داشته باشد تا صد هزار تومان بدولت بدهد یعنی سی هزار تومان خرج و صد هزار تومان مال او صد هزار تومان هم مال دولت - و این قصور ندارد که سی هزار تومان خرج میکند نصفش را ایشان بپردازند نصفش را دولت ببرد .  
 بنابراین پیشنهاد آقای تدین اینطور تصور کرد بنده فرض کردم ادعای او زیاد از صد و پنجاه هزار تومان نیست صد هزار تومان را که قبول کرده است این صد و پنجاه هزار تومان را در ظرف این مدت ۱۵ سال وقتی با سلسله کسرها تمام تقاضا نود هزار تومان میشود و دعوی هم ساقط میشود .  
 اگر آن دعوی اساسی دارد حقیقت مطلب اینست .  
 اما از آن طرف قید کردن اینکه اگر تملل کرد دولت ضبط کند اینهم بکلی لغو است زیرا می بیند کم آمده تملل می کند میگوید بیاید بپرداز پس در حقیقت صد هزار تومان نبوده صد هزار تومان در وقتی است که بدهد والا اگر شرط کنیم وقتی تملل کرد دولت خواهد برد ممکن است سی هزار تومان عاید دولت شود . اینست که بنده پیشنهاد کردم سالی ۹۰ هزار تومان بدهد و حساب آنهم صاف و صریح است والا سایر این ترتیبات اشکالات را دارد از این حساب صاف تر بنده چیزی نمی دانم  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای زنجانی .  
 آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام نمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود  
 ابراهیم زنجانی  
**میرزا ابراهیم قمی** - استرداد میکنم .  
 (پیشنهاد آقای سید الملک به مضمون ذیل قرائت شد )  
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارگانه .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
**سید الملک** - بنده پیشنهاد دیگری کرده ام .  
 ( بشرح آتی قرائت شد )  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
 سید الملک  
**سید الملک** - اولاً بنده کاملاً متقدمم که باید این امتیاز را بجای معین التاجار داد .  
 و ثانیاً اینکه حاج معین التاجار می - گوید من صد هزار تومان نقد میدهم راست میگویی حاج معین التاجار يك نفر آدم درست و صحیح العملی است ولی از روی این اصل که حاج شیخ اسدالله فرمودند که حاج معین التاجار فرضاً صد هزار تومان دویست هزار تومان طلب دارد بنده فکر کردم اول نود هزار تومان پیشنهاد کردم بعد آن را کمتر کردم هشتاد و پنج هزار تومان کردم که طلب حاج معین التاجار با فرع باو رسیده باشد که هر سالی پنج هزار تومان بدولت بدهد و ۱۵ هزار تومان از بابت طلب خودش بردارد .  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای سید الملک  
 آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای دولت آبادی بمضمون ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود  
 ابراهیم زنجانی  
**میرزا ابراهیم قمی** - استرداد میکنم .  
 (پیشنهاد آقای سید الملک به مضمون ذیل قرائت شد )  
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارگانه .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
**سید الملک** - بنده پیشنهاد دیگری کرده ام .  
 ( بشرح آتی قرائت شد )  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
 سید الملک  
**سید الملک** - اولاً بنده کاملاً متقدمم که باید این امتیاز را بجای معین التاجار داد .  
 و ثانیاً اینکه حاج معین التاجار می - گوید من صد هزار تومان نقد میدهم راست میگویی حاج معین التاجار يك نفر آدم درست و صحیح العملی است ولی از روی این اصل که حاج شیخ اسدالله فرمودند که حاج معین التاجار فرضاً صد هزار تومان دویست هزار تومان طلب دارد بنده فکر کردم اول نود هزار تومان پیشنهاد کردم بعد آن را کمتر کردم هشتاد و پنج هزار تومان کردم که طلب حاج معین التاجار با فرع باو رسیده باشد که هر سالی پنج هزار تومان بدولت بدهد و ۱۵ هزار تومان از بابت طلب خودش بردارد .  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای سید الملک  
 آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم - مادد چنین نوشته شود:  
 همه ساله حاج معین التاجار ۹۰ هزار تومان بدو قسط بدولت خواهد پرداخت و اگر تملل کند دولت معدن را ضبط نموده بقدر طلب خود از عایدات خاك سرخ اخذ خواهد نمود .  
 ابراهیم زنجانی  
**نایب رئیس** - بفرمایند  
**زنجانی** - آقایان توجه بفرمایند بنده مطلب را قدری روشن میکنم بعد می خواهید رأی بدهید یا نه دهید مختارید - موافق پیشنهاد سابق ادعا باقی مینماید و بنده از جهانی آن را مضر میدانم الزام امور قطع این دعواست خود آقای حاج معین التاجار قبول کرده است در صورتیکه خرج بهمه او باشد سالی صد هزار تومان بدهد این را خودش اول قبول کرده فرض میکنم صدسی هم خرج کرد باید دویست و سی هزار تومان فایده داشته باشد تا صد هزار تومان بدولت بدهد یعنی سی هزار تومان خرج و صد هزار تومان مال او صد هزار تومان هم مال دولت - و این قصور ندارد که سی هزار تومان خرج میکند نصفش را ایشان بپردازند نصفش را دولت ببرد .  
 بنابراین پیشنهاد آقای تدین اینطور تصور کرد بنده فرض کردم ادعای او زیاد از صد و پنجاه هزار تومان نیست صد هزار تومان را که قبول کرده است این صد و پنجاه هزار تومان را در ظرف این مدت ۱۵ سال وقتی با سلسله کسرها تمام تقاضا نود هزار تومان میشود و دعوی هم ساقط میشود .  
 اگر آن دعوی اساسی دارد حقیقت مطلب اینست .  
 اما از آن طرف قید کردن اینکه اگر تملل کرد دولت ضبط کند اینهم بکلی لغو است زیرا می بیند کم آمده تملل می کند میگوید بیاید بپرداز پس در حقیقت صد هزار تومان نبوده صد هزار تومان در وقتی است که بدهد والا اگر شرط کنیم وقتی تملل کرد دولت خواهد برد ممکن است سی هزار تومان عاید دولت شود . اینست که بنده پیشنهاد کردم سالی ۹۰ هزار تومان بدهد و حساب آنهم صاف و صریح است والا سایر این ترتیبات اشکالات را دارد از این حساب صاف تر بنده چیزی نمی دانم  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای زنجانی .  
 آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام نمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - رد شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم - مادد چنین نوشته شود:  
 همه ساله حاج معین التاجار ۹۰ هزار تومان بدو قسط بدولت خواهد پرداخت و اگر تملل کند دولت معدن را ضبط نموده بقدر طلب خود از عایدات خاك سرخ اخذ خواهد نمود .  
 ابراهیم زنجانی  
**نایب رئیس** - بفرمایند  
**زنجانی** - آقایان توجه بفرمایند بنده مطلب را قدری روشن میکنم بعد می خواهید رأی بدهید یا نه دهید مختارید - موافق پیشنهاد سابق ادعا باقی مینماید و بنده از جهانی آن را مضر میدانم الزام امور قطع این دعواست خود آقای حاج معین التاجار قبول کرده است در صورتیکه خرج بهمه او باشد سالی صد هزار تومان بدهد این را خودش اول قبول کرده فرض میکنم صدسی هم خرج کرد باید دویست و سی هزار تومان فایده داشته باشد تا صد هزار تومان بدولت بدهد یعنی سی هزار تومان خرج و صد هزار تومان مال او صد هزار تومان هم مال دولت - و این قصور ندارد که سی هزار تومان خرج میکند نصفش را ایشان بپردازند نصفش را دولت ببرد .  
 بنابراین پیشنهاد آقای تدین اینطور تصور کرد بنده فرض کردم ادعای او زیاد از صد و پنجاه هزار تومان نیست صد هزار تومان را که قبول کرده است این صد و پنجاه هزار تومان را در ظرف این مدت ۱۵ سال وقتی با سلسله کسرها تمام تقاضا نود هزار تومان میشود و دعوی هم ساقط میشود .  
 اگر آن دعوی اساسی دارد حقیقت مطلب اینست .  
 اما از آن طرف قید کردن اینکه اگر تملل کرد دولت ضبط کند اینهم بکلی لغو است زیرا می بیند کم آمده تملل می کند میگوید بیاید بپرداز پس در حقیقت صد هزار تومان نبوده صد هزار تومان در وقتی است که بدهد والا اگر شرط کنیم وقتی تملل کرد دولت خواهد برد ممکن است سی هزار تومان عاید دولت شود . اینست که بنده پیشنهاد کردم سالی ۹۰ هزار تومان بدهد و حساب آنهم صاف و صریح است والا سایر این ترتیبات اشکالات را دارد از این حساب صاف تر بنده چیزی نمی دانم  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای زنجانی .  
 آقایانی که با پیشنهاد ایشان موافقت قیام نمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود  
 ابراهیم زنجانی  
**میرزا ابراهیم قمی** - استرداد میکنم .  
 (پیشنهاد آقای سید الملک به مضمون ذیل قرائت شد )  
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارگانه .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
**سید الملک** - بنده پیشنهاد دیگری کرده ام .  
 ( بشرح آتی قرائت شد )  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
 سید الملک  
**سید الملک** - اولاً بنده کاملاً متقدمم که باید این امتیاز را بجای معین التاجار داد .  
 و ثانیاً اینکه حاج معین التاجار می - گوید من صد هزار تومان نقد میدهم راست میگویی حاج معین التاجار يك نفر آدم درست و صحیح العملی است ولی از روی این اصل که حاج شیخ اسدالله فرمودند که حاج معین التاجار فرضاً صد هزار تومان دویست هزار تومان طلب دارد بنده فکر کردم اول نود هزار تومان پیشنهاد کردم بعد آن را کمتر کردم هشتاد و پنج هزار تومان کردم که طلب حاج معین التاجار با فرع باو رسیده باشد که هر سالی پنج هزار تومان بدولت بدهد و ۱۵ هزار تومان از بابت طلب خودش بردارد .  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای سید الملک  
 آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای دولت آبادی بمضمون ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود

بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود  
 ابراهیم زنجانی  
**میرزا ابراهیم قمی** - استرداد میکنم .  
 (پیشنهاد آقای سید الملک به مضمون ذیل قرائت شد )  
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارگانه .  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
**سید الملک** - بنده پیشنهاد دیگری کرده ام .  
 ( بشرح آتی قرائت شد )  
 این بنده پیشنهاد میکنم که آقای حاج معین التاجار تا پانزده سال سالی ۸۵ هزار تومان بدولت بپردازد .  
 سید الملک  
**سید الملک** - اولاً بنده کاملاً متقدمم که باید این امتیاز را بجای معین التاجار داد .  
 و ثانیاً اینکه حاج معین التاجار می - گوید من صد هزار تومان نقد میدهم راست میگویی حاج معین التاجار يك نفر آدم درست و صحیح العملی است ولی از روی این اصل که حاج شیخ اسدالله فرمودند که حاج معین التاجار فرضاً صد هزار تومان دویست هزار تومان طلب دارد بنده فکر کردم اول نود هزار تومان پیشنهاد کردم بعد آن را کمتر کردم هشتاد و پنج هزار تومان کردم که طلب حاج معین التاجار با فرع باو رسیده باشد که هر سالی پنج هزار تومان بدولت بدهد و ۱۵ هزار تومان از بابت طلب خودش بردارد .  
**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای سید الملک  
 آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند .  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - تصویب شد  
 پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی بشرح ذیل قرائت شد )  
 ذیل قرائت شد .  
 بنده پیشنهاد میکنم که همان سالی صد هزار تومان که در اصل لایحه دولت بود داده شود



خودش صرف نظر کرده و میخواهد صد هزار تومان برای چه آن ترتیب را قبول نمیکند مطابق این پیشنهاد شما دیگر نمی تواند برگردد و همان صد هزار تومان که سابق پیشنهاد کرد قبول نماید مطابق آن پیشنهاد صد هزار تومان درسا میداد و صد و پنجاه هزار تومان دعوی خود را هم میبخشند دیگر معنی ندارد تغییر داده شود.

**نایب رئیس** - گمان نمیکنم بعد از اینکه هشتاد و پنج هزار تومان ۹۰ هزار تومان رد شد صد هزار تومان مورد داشته باشد.

(بعضی گفتند رأی بگیرند)

**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای دولت آبادی (ولی بنده باز تکرار می کنم صد هزار تومان مورد ندارد آن پیشنهاد ۹۰ هزار تومان و هشتاد و پنج هزار تومان قبول نشد شما میفرمائید بصد هزار رأی بگیریم) تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - قابل توجه نشد

(پیشنهاد آقای نجات بمضمون

ذیل قرائت شد)

نظر باینکه داشتن محاسبه مخارج تولید خرجی برای دولت میکند بنده پیش نهاد میکنم کلیه مخارج به عهده صاحب امتیاز باشد و صدی چهار ارایعات بدولت بدهد.

**نایب رئیس** - این هم رد شده است.

پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم قمی به تفصیل ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که سالی هشتاد هزار تومان همه ساله حاج معین التجار بطور مقاطعه بدولت بپردازد

**نایب رئیس** - بنده عرض میکنم وقتی که هشتاد و پنج هزار تومان رد شد هشتاد هزار تومان هم مورد ندارد آقایانی که پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی موافقت قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - رد شد

پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی بترتیب ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم بهمان ماده پیش نهادی دولت رأی بگیرند.

حاج میرزا مرتضی  
**حاج میرزا مرتضی** - آقای حاج معین التجار خودشان قبول کردند سالی صد هزار تومان بدولت بدهند.

فرض میکنم ادعائی هم که ایشان میکنند هر قدر باشد صحیح است این صد و پنجاه هزار تومان را که کسر بگذاریم البته صرفه با دولت است که صد پنجاه از عین محصول استخراج شده بدهد عقیده

بنده اینست که سالی صد هزار تومان بدولت بدهند و از طلب خودش هم صرف نظر کند اینجا باز صرف بدولت است  
**نایب رئیس** - این مسئله هم بعد از اینکه ماده اول رأی داده شده است موضوع ندارد که آقایان اجازه بفرمایند رأی بگیریم باصل ماده کمیسیون آقایانی که باماده که مخبر کمیسیون است موافقت قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد

جلسه بعد از قراریکه آقای رئیس معین فرمودند فردا عصر دو ساعت و ربع بغروب مانده است دستور هم قضیه لایحه کمیسیون بودجه راجع به حقوق شاهزادگان و مسئله گارد شهری خواهد بود. آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

**ارباب کیخسرو** - اینجا يك مسائلی است که متأسفانه هر قدر بیشتر متذکر بشویم بیشتر بتعویق نیافتد در کمیسیون بودجه يك مسائلی گذشته است که باید حتماً قبل از عید تکلیفش معین شود والا اسباب زحمت میشود. کمیسیون بودجه نشسته است

و اینها را تصویب کرده است و باید حساب شود و مطابق نظامنامه مجلس بیست و چهار ساعت قبل از وقت باید بین نمایندگان توزیع شود و اگر فردا عصر جلسه باشد دور نیست که این مشکلات تولید شود یکی از مسائل دیگر که بنده خیلی میل داشتم بگذرد قضیه اعانه ارومیه است آقای وزیر مالیه چند روز قبل لایحه پیشنهادی ارومیه را دادند ولسی متأسفانه بنده از هر کس می پرسم میگویند به کمیسیون بودجه رفته است.

بنده نمی دانم تاچه اندازه اهالی ارومیه بدبخت هستند بعد از مدت های مدید که يك لایحه میآید آنهم تازه کم میشود بنده نمی دانم تکلیف اهالی ارومیه چیست ؟

بنده معتقدم که قبل از عید این لایحه بمجلس آمده و تصویب شود تا آن بیچاره ها هم تکلیف خودشان را بدانند بنده از آقای مخبر سؤال کردم فرمودند اطلاعی ندارم از آقای حاج نصیر السلطنه سؤال کردم اظهار بی اطلاعی کردند استدعا می کنم اگر بکمیسیون قدیم رفته است به بیند چه شده و اگر بکمیسیون جدید ارجاع است تکلیفش زودتر معین شود از این جهت عقیده بنده اینست که اگر جلسه به عصر سه شنبه می افتاد این مسائل هم میگذشت ما همانقدر که فکر عید را برای خودمان می کنیم باید برای دیگران هم بکنیم عقیده بنده اینست که عصر سه شنبه جلسه شود تا این تکالیف معین شود.

**نایب رئیس** - آقای رئیس فرمودند

جلسه برای فردا مقرر شود حالا آقایان می فرمایند پس فردا  
شیخ الرئیس - منافاتی ندارد هم فردا جلسه تشکیل میدهم هم سه شنبه ما نباید مطالب مهمه مملکت را از نظر محو کنیم  
**نایب رئیس** - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - همانطور که فرمودند هنوز لایحه ارومیه بکمیسیون جدید نرسیده که مطرح شود البته هر کجا که هست باید تکلیفش معین شود.

(در این موقع جمعی از نمایندگان فردا فرد از مجلس خارج شدند)  
**نایب رئیس** - آقایانی که تشریف میبرند باید بدانند که فردا عصر جلسه است.

سلیمان میرزا - البته باید تقاضا کرد بکمیسیون بفرستند تا مطرح شود

**نایب رئیس** - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - مقصود بنده هم این نبود که در کمیسیون تأخیر شده عرض کردم بکمیسیون نرفته است

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس** - مجلس - مؤتمن الملك

### جلسه ۲۴۷

صورت مشروح مجلس یوم دو شنبه بیست و هشتم حوت ۱۳۰۱ مطابق غره شعبان سنه ۱۳۴۱ مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید. صورت جلسه یوم یکشنبه بیست و هفتم حوت را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند.

**رئیس** - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - جزء اسامی غائبین یا زیر آمدگان اسم آقای بهار الملك بگوش بنده خورد گمان میکنم با قبول کردن مقام وزارت در صورتی که بحضور اعلی حضرت هم معرفی شده اند نوشتن اسم ایشان صحیح نباشد.

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

حاج مخبر السلطنه هم همینطور **رئیس** - بنده هنوز اطلاع ندارم شیخ الرئیس - چون در جراید نوشته شده است که بحضور اعلی حضرت هم معرفی شده اند باین جهت عرض کردم

**رئیس** - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بنده در دستور عرض دارم **رئیس** - آقای حاج امین التجار

(اجازه)  
حاج امین التجار - بنده هم در دستور

عرض دارم **رئیس** - آقای محمد ولی میرزا